

# تحول؟ تغییر؟ اصلاح؟ یا هیچ کدام؟

جابه‌جایی در تاریخ، تنها به حرکت قبایل و جوامع، منحصر نمی‌گردد، بلکه سرگذشت اغلب بزرگان و مشاهیر را نیز در برمی‌گیرد. سرگذشت پیامبران و مصلحان و دانشمندان و سیاستمداران و غیره، ما را به این نکته رهنمون می‌گردد که اغلب آن‌ها در زندگی سفر یا سفرهایی را تجربه کرده‌اند که در شکل‌گیری شخصیت و اندیشه‌شان تأثیر بسیار داشته است.

بازگردیم به ابتدای سخن؛ تحول را چه می‌دانیم؟ برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش چه کنیم؟ تاریخ در این باره به ما چه می‌گوید؟ به نظر مطالعه تاریخ به ما می‌گوید که همواره باید «اقتضای زمان» را در نظر بگیریم. اقتضای زمان، یعنی تعیین اولویت‌ها (مثلاً کرونا!) اقتضای زمان یعنی شناخت درست موقعیت‌ها و مسئله‌ها، یعنی پرهیز از شتاب در نتیجه‌گیری و رسیدن به مقصود. بررسی تاریخ همچنین این پیام را به ما می‌دهد که «تحول»، «دستوری» و فرمایشی صورت نمی‌گیرد. اگر هر یک از ما رسالت‌مان را به درستی تشخیص دهیم و در راه آن بکوشیم، در مسیر تحول درست و سازنده گام خواهیم برداشت.

سوی کنسانتین در قرن چهار میلادی که موجب گسترش مسیحیت و قدرت‌گیری پاپ‌ها و وفور کلیساها شد. گاه تحولات، نتیجه «اصلاحات» بوده است، همچون اصلاحات داریوش یکم که برای قرن‌ها اقتصاد و جامعه ایران باستان را تحت تأثیر قرار داد، و یا اصلاحات امیرکبیر که ایجاد دارالفنون یکی از آن‌ها بود و می‌دانیم که این به اصطلاح اولین دانشگاه ایران، چه پیامدهای مثبتی در تاریخ معاصر ما داشته است.

در این میان، بیشترین و عمیق‌ترین و جدی‌ترین تحولات، در پی چیزی بوده است که در اینجا آن را «جابه‌جایی» می‌نامیم. **ابن خلدون** اثر ارزشمند خود معروف به «مقدمه» را بر این اساس نهاده است: جابه‌جایی مستمر قبایل و هجوم آن‌ها بر مناطق آباد و یکجانشینان و در نتیجه تشکیل قدرتی جدید و ...

**توین بی**، مورخ شهیر انگلیسی، نیز در این باره به تفصیل سخن گفته است. همچنین دکتر **علی شریعتی**، در بررسی تاریخ، نمونه‌های بی‌شماری در این باره به ما نشان می‌دهد که موضوع اکتشافات جغرافیایی (اواخر قرن ۱۵ م) و نتایج و پیامدهای آن، یکی از آن‌هاست.

با آنکه از تصویب نهایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حدود ۵ سال می‌گذرد (و سند مذکور هم اولین سند از این دست نبود!)، این روزها همچنان از لزوم تحول سخن به میان می‌آید و دست‌اندرکاران را به ارائه طرح‌ها و ابتکارات مربوط تشویق می‌کنند. از آنجا که ما اهل تاریخیم و تاریخ، حتی اگر به منظور آموزش و عبرت و آینده هم باشد، بد نیست با نگاهی به تاریخ ببینیم در این باب چه پیامی برای ما دارد.

به تاریخ که بنگریم، می‌بینیم که تحول، همواره برآیند و بازتابی از امور مهم بوده است. گاه یک «رویداد»، منشأ و مولد تحول (یا تحولات) می‌شده است؛ مثل فتح ملازگرد را می‌توان مثال آورد که تحولاتی را در آسیای صغیر موجب شد و تاریخ آتی آن را رقم زد. همچنین است رویدادهایی مثل اختراع چرخ، ترور ولیعهد اتریش (۱۹۱۴ م)، کشف پنی سیلین، چاپ مقاله رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات (۱۳۵۷) و ... که همه یک رویداد بودند اما پیامدهایی وسیع و گسترده‌ای را همراه آوردند.

گاه تحولات نتیجه یک تصمیم بوده است، همچون فرمان آزادی مذهبی مسیحیان از